اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت نود و نه)

دیوهای خفته بخش یکم (مهریه)

شعر همان وحی شیاطین است که باعث ضربه زدن به نظام رحمانی میشود. هیچوقت شعر را دست کم نگیرید، همانطور که هیچوقت نباید شیطان را دست کم گرفت. زیرا جملات شعر مثل دیوهای خفته ای هستند که بوقت خود و سر فرصت، زندگی ها را بر باد میدهند. عدم توجه به کلام خدا، مشکلات عدیده ای را برای جوامع مسلمان پیش آورده است و این مشکلات به مرور زمان، پیچیده تر و پیچیده تر میشود و به مرحله غیر قابل حل میرسند. یکی از این مشکلات، که خیلی هم مهم است ، مهریه در ازدواج هاست که اکنون خیلی بولد شده است و ازدواج جوانان را تقریبا به بن بست کشانده است. یک جمله ای هست شعر مانند که مردم آن را تکرار میکنند و به خیال خود ابتدا میگفتند که این فقط یک گفتار است و هیچوقت به مرحله کردار نخواهد رسید. این جمله مهریه را کی داده و کی گرفته؟ **است.**

معمولا چرخه ی نیک در زندگی، از پندار شروع شده و به مرحله کردار و بعد به مرحله گفتار میرسد. اما این جمله شعر مانند ابتدا از گفتار شروع میشود ولی پندار

مبهمی پشت آن خوابیده است و هر لحظه ممکن است که به مرحله عمل و کردار برسد. این پندار مبهم همان دیو طمع و تفرقه بین زن و مرد است. شروع اجرای این پندار مبهم، منتظر یک جرقه است. کافی است که کوچکترین مشاجره ای پیش ازواج پیش آید، فورا به مرحله عمل رسیده و به اجرا گذاشته میشود. این دیو خفته عملا مهریه را که نشان مهر و محبت باید باشد، به نشان تنفر و انتقام تبدیل میکند. کلا پشت هر گونه پندار مبهم و شرّی یک شیطان منتظر است. بعضی صفات و پندارهای زشت در انسانها هستند که ظاهرا خفته هستند ولی در مواقع بحرانی که آدمی کنترل خشم و غضب خود را ندارد، بیدار میشوند. مثلا دیده ای که طرف می گوید که: اون روی سگ من را ندیده ای!؟ **منظورش این است که فرد روی دیگری دارد که خفته است و هنوز رو نکرده است و دقیقا متضاد روی دیگرش است. خدای مهربان، در قرآن ما را به یک رویی و صاف و سادگی دعوت میکند و انسانها را به کظم غیظ** (وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ) **و تعادل و توازن در رفتار و گفتار دعوت میکند. به همین دلیل ما باید همیشه پندار نیک داشته باشیم و از ورود پندارهای غلط به ذهن خویش اجتناب کنیم.**

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾

همانان که در فراخی و تنگی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد (۱۳۴)

کی مهریه داده کی گرفته؟ کی سمرقند داده کی گرفته؟ کی بخارا داده کی گرفته ؟ به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را!

آیا شباهتی بین این جملات شعر گونه نمی بینید. در هر تنفر و افتراقی بین زوجین، جملاتی شعر گونه هست. اصلا شعر، وسیله و ابزار جادوست. این جملات شعر گونه دو رو دارند. یک روی عادی و یک روی زشت. وقتی فرد عصبانی نیست، یک نوع برداشت از جمله شعر گونه میکند؛ اما وقتی فرد عصبانی شده و قادر به کنترل خشم و غضب خود نمیشود، برداشت متضادی از این جمله میکند. این حالت از پندار، بسیار خطرناک است.

مهریه ابزار تهدید و مشاجره نیست و در قرآن به عنوان نشانه راستی و صداقت در مودت و مهر بین زوجین ذکر شده است. به همین خاطر یکی از اسامی مهریه، صداق است. یعنی مرد این صداق را به زن میدهد تا صداقت خود را در این مودت و رحمت نشان دهد. قطعا مقدار مهریه و صداق باید در توان مرد باشد و گرنه فقط یک پندار مبهم و یا یک شعر و طلسم است.

وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا ﴿۴﴾

و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید (۴)

همانطور که فقرِ مالی هست، فقرِ ازدواج هم هست. وقتی شرایط برای یک ازدواج سخت شود، یعنی فقرِ ازدواج پیش آمده است. فلسفه ها و روشهای شیطان فقر و

فحشاء را به ارمغان میاورد (الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ). **عدم ازدواج نوعی فقر است ولی نه از نوع فقر اقتصادی. هر چند اقتصاد جنبه مهم آن است ولی اصل این فقر، اقتصادی نیست و بلکه فقر پنداری است. بزودی همگی خواهند دانست که فرهنگ غلط ازدواج، بقای یک نسل را در یک کشور به خطر انداخت. این فرهنگ غلط، یک نوع فقر است. روشهای شیطان در ازدواج، فقرِ ازدواج را به ارمغان می آورد.**

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾
شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و(لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خداوند گشایشگر داناست. (۲۶۸)

تعهدات مالی براساس یک جمله مبهم و منافقانه مثل مهریه را کی داده و کی گرفته؟ **قرار داده نمیشود. این جمله خودش نوعی جمع اضداد است و شرّ تولید میکند. زیرا شرّ نتیجه جمع اضداد است. بعضی ها می گویند که مهریه زیاد یک ضمانت برای کنترل مردان هوسباز است. خود این جمله هم یک جمله دو پهلو و شیطانی است. خدا یک قانون کلی را برای فقط مردان هوس باز طرح نمی کند، بلکه برای تمام مردم است و این گفته غلط است. زمانی هم که طلا و سکه گران شد، خیلی از زنان هم مهریه خود را به اجرا گذاشتند. خدا قوانین را کلی طرح میکند و منافع همگی را در نظر می گیرد. نعوذبالله خدا طرفدار قشر خاصی نیست که بخواهد منافع آن قشر را در نظر بگیرد. چه زن و چه مرد همگی بندگان خدایند و خدا مصلحت همه را میخواهد. خیلی از جوانان بخاطر ترس از مهریه های زیاد به سمت ازدواج نمیروند و**

این اگر تنها دلیل عدم ازدواج نباشد، قطعا مهمترین دلیل آن است. مهریه سنگین انگیزه های زیادی را در افراد ایجاد میکند؛ چه برای زنان و چه برای مردان؛ حتی در خیلی موارد کار به قتل زنان و زندانی شدن مردان هم کشیده شده است. حتی جوری شده است که مهریه بعضی زنان ده ها برابر دیه آنان است. گاهی بعضی مردان بعد از طلاق ، زیر بار اقساط مهریه میمانند و تا آخر عمرشان نمی توانند دیگر ازدواج کنند. ضررات مهریه بالا آنقدر زیاد است که میتوان در این مورد یک کتاب نوشت. وقتی زوجین، با مهریه بالا شروع به زندگی کنند، از همان اول، زن این قدرت و برگ برنده را در ذهن خود بحساب می آورد و در هر فرصت و چالشی این برگ را رو میکند. مرد هم همیشه دنبال دور زدن و دروغ میباشد و به چشم دیگری، زوجش را نگاه میکند. در این حالت، هیچگونه مودت و رحمتی بین آن دو وجود نخواهد داشت و همه چیز به پول و زور و پنهان کاری ختم میشود.

اصلا هدف از ازدواج چیست؟ مگر هدف از یک ازدواج، مشارکت در ساخت یک زندگی مشترک با مودت و رحمت و تلاش دو جانبه نیست؟ پس هر آنچه که منافی این تلاش و کوشش و مودت و رحمت باشد، اضافی است. به جرات می توانم بگویم که مهریه زیاد مثل یک طلسم است که در ذهن افراد نگهداری میشود و همین طلسم است که خوشی را از زندگی ها می برد. کاهش تصاعدی ازدواجها بخاطر این روش زندگی است.

جمله مهریه را کی داده و کی گرفته؟ **یک پندار مبهم است. پندار** مهریه را کی داده و کی گرفته؟ **یک دیو خفته است که در پندار طرفین می خوابد تا بوقتش بیدار شود. این**

دیو در ذهن زن می خوابد و بعضی زنان ممکن است در پندار خود حتی برای آن برنامه ریزی هم بکنند. این دیو بالقوه خطرناک است. حتی این دیو در ذهن مرد هم هست و مرد هیچ وقت به همسرش مودت و رحمت واقعی ابراز نمیکند زیرا همیشه آن دیو را حامی و پشتیبان زن می بیند. در حالیکه در قرآن، خدا دستور فرموده است که مهریه باید به زن پرداخت شود. اما مهریه ای که بالا باشد و قابل پرداخت نباشد، توصیه قرآن نیست و حتی ضد دستورات خداست.

زمانی سکه و طلا ارزان بود و مردم براحتی مهریه های از این نوع را قرار میدادند ولی اکنون اینها خیلی گران شده است و نود و نه درصد جوانان نمی توانند اینها را تهیه کنند و نمی توانند این مهریه های سنگین را متعهد شوند. مهریه زیاد یک نوع ربا هم هست. زیرا مهریه ای که به طور تصاعدی هر روز بالا میرود، خاصیت ربا دارد. خدا در قرآن، از صدقات، به عنوان متضاد ربا استفاده می فرماید. نام دیگر مهریه صداق است که هم خانواده صدقات است. بنابراین مهریه هر چی هست، نباید مثل ربا باشد.

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾

خدا از (برکت) ربا می کاهد، و بر صدقات می افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی دارد. (۲۷۶)

مهریه تصاعدی یک نوع رباست و برکت ندارد. یکی از خواص ربا این است که ربا از جنس آتش است و همین آتش به جان زندگی ها افتاده است و دارد همه را میسوزاند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾
ای کسانی که ایمان آورده اید ربا را [با سود] چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید باشد که رستگار شوید (۱۳۰)

قرآن کتاب کاملی است و باید بر این اساس، زندگی مان را تنظیم کنیم. حدیث و سنت، پیام خدا نیستند و نباید بر اساس آن زندگی ها پایه ریزی شود. حدیث و سنت وحی نیستند و بلکه نوشته راویان حدیث در قرن دوم و سوم هجری هستند. نمیتوان مساله مهمی مثل مهریه را با قیاس و براساس سنت گذشتگان بدست آورد. قبلا طلا و سکه ارزان تر بود و قابل تهیه بود ولی اکنون شرایط تغییر کرده است و نمیتوان آن روش را ادامه داد.

بیایید در قرآن به داستان یک ازدواج نگاه کنیم. مقدار مهریه و روش پرداخت آن براحتی از این آیه قابل استخراج است. خدا برای هر مشکلی در قرآن راه حل دارد و هیچوقت انسانها را تنها نمی گذارد. خدای حکیم و مهربان می فرماید که در قرآن از هر گونه مثلی زده است. مساله مهمی مثل مهریه هم قطعا مثالی از آن در قرآن هست.

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾
و در این قرآن از هر گونه مثلی برای مردم آوردیم باشد که آنان پندگیرند (۲۷)

پیامبر موسی از دست فرعونیان فرار کرده و بجایی میرسد و بدون هیچ چشم داشتی، دختران شعیب را کمک میکند و ادامه داستان که در قرآن ذکر شده است. شعیب به

خاطر امانت دار بودن و کاری بودن موسی، دخترش را به موسی میدهد. مقدار مهریه در این آیه بطور واضح معین و مشخص است.

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

یکی از آن دو [دختر] گفت ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می کنی هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است (۲۶)

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾

[شعیب] گفت من می خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می کنی] به نکاح تو در آورم به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی و اگر ده سال را تمام گردانی اختیار با تو است و نمی خواهم بر تو سخت گیرم و مرا ان شاء الله از درستکاران خواهی یافت (۲۷)

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

[موسی] گفت این [قرار داد] میان من و تو باشد که هر يك از دو مدت را به انجام رسانیدم بر من تعدی [روا] نباشد و خدا بر آنچه می گوییم وکیل است (۲۸)

شعیب به موسی میگوید که من دخترم را به نکاح تو در میاورم با اجرت هشت سال کار کردن. موسی هشت سال باید برای شعیب کار کند. در این مدت شعیب، مخارج اولیه زندگی موسی و همسرش را میدهد. این یک قرارداد بود بین شعیب (پدر دختر) و موسی. شعیب به موسی میگوید که من نمی خواهم کار را بر تو مشکل بگیرم (وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ) **و مرا ان شاء الله از درستکاران خواهی یافت** (سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ). **درستکاران یعنی کسانی که کردار نیک دارند. بنابراین مهریه زیاد تعیین**

نکردن و سخت نگرفتن، یک نوع عمل صالح و کردار نیک است و از پندار نیک بر می خیزد. انسانها از هر فرصتی میتوانند برای خود کردار نیک جمع کنند. خدا نمی خواهد بر انسانها سخت بگیرد. بنابراین قراردادی که شعیب با موسی بست، اصلا سخت و مشکل نبوده است. در این آیه دو روش برای محاسبه مهریه هست:

روش اول:

مهریه در این آیه مساوی است با اجرت هشت سال کار کردن منهای مخارج اولیه زندگی موسی و همسرش. نسل آینده، از نظر درآمدی، زندگی کاملا واضحی خواهند داشت و مقدار درآمد و هزینه های اولیه زندگی روشن و واضح خواهد بود. اما این روش قرآنی، چطوری برای نسل آینده قابل اجراست. فرض کنید جوانی که ازدواج میکند و کار میکند و ماهیانه x **میلیون تومان درآمد دارد. این جوان ماهی** y **میلیون تومانش را صرف مخارج (اولیه) زندگی میکند. بنابراین** x-y **میلیونش می ماند. بنابراین این جوان سالیانه** $(x-y)*12$ **میلیون تومان درآمد مازاد بر مخارج اولیه زندگی دارد. بنابراین نصف این درآمد مازاد، یعنی** $(x-y)*6$ **مال همسرش است به عنوان مهریه. برای هشت سال میشود** $48*(x-y)$ **میلیون تومان. که اگر مرد به دلخواه خودش خواست ده ساله اش کند و در این حالت میشود** $60(x-y)$ **میلیون تومان.**

توجه شود که منظور از هزینه ها و مخارج اولیه زندگی در اینجا شامل خرید ماشین و مسکن و مغازه نیست؛ زیرا زن در اینها شریک نیست و البته اگر شریک باشد، باید به عنوان هزینه آورده شود. در این روش قرآنی، حتی اگر زن در مخارج زندگی

صرفه جوئی کند و از خریدهای اضافی چشم پوشی کند، مهریه بیشتری به او تعلق خواهد گرفت و عدم اسراف به سود خودش هم هست. این طریق محاسبه فقط زمانی ممکن است که درآمد و هزینه خانواده مشخص باشد. در حالتی که درآمد و هزینه مشخص نباشد، میتوان بطور تخمینی با توجه به رسته شغلی، مقدار ثابتی را به عنوان درآمد و هزینه مشخص کرد. اگر این بستر فراهم شود، و درآمدها و هزینه های زوجین مشخص باشد، قطعا در این روش، هیچ فشاری به آنها نخواهد آمد و مهریه قابل پرداخت خواهد بود.

ممکن است که برای روش اولی؛ کسی بگوید که افراد ممکن است در مورد مقدار درآمد دروغ بگویند. اما اکنون در زمانه ما، براحتی مقدار درآمد افراد مشخص است و همچنین میتوان قبل از ازدواج، مقدار دارائی افراد را هم تخمین زد. برای کاری که موسی برای شعیب انجام میداد(دامداری)، درآمدها کاملا مشخص بود. در بعضی کشورهای خارجی هم ، قبل از ازدواج، دارائی افراد را بدست می آورند و در آمدهای بعد از آن نصف ، نصف تقسیم میشود. اما قرآن درآمدهای مازاد بر مخارج اولیه حداکثر تا هشت سال و یا ده سال را به عنوان مهریه تقسیم می کند و نه کل عمر را. چندی پیش بیل گیتس و زنش بعد از سی سال زندگی مشترک از هم جدا شدند. زن بیل گیتس نصف دارائی بیل گیتس را صاحب شد. اما از نظر قرآن، فقط درآمد هشت سال متعلق به همسر بیل گیتس بود. هرچند آنان، ممکن است این پول را مهریه ننامند. البته در این مورد، حتی درآمد هشت سال بیل گیتس، درآمد بسیار زیادی بود. پول زیاد وسوسه انگیز است و براحتی ازواج را از هم جدا میکند.

روش دوم:

شاید هنوز بستر تعیین مهریه به روش اولی برای ما مهیا نباشد؛ بنابراین برای مهریه هایی که از قبل تعیین شده است و نمیتوان مقدار آن را تغییر داد؛ میتوان طبق آیه قاعده هشت سال را روی آن اجرا کرد. یعنی اگر زن، مهریه ای برایش تعیین شده است و یا میشود و بعد از مثلا یک سال تقاضای مهریه میکند، به مقدار یک هشتم از مهریه به او تعلق می گیرد. در نهایت بعد از گذشت هشت سال، مهریه کامل به او تعلق خواهد گرفت. حتی اگر این نکته مهم از آیه هم اجرا شود، خودبخود خیلی از مشکلات حل میشود. این آیه هر طور اجرا شود، منفعت است.

I. در این روشها ، اگر مرد هوسبازی کند و مثلا بعد از یک سال قصد طلاق زن را داشته باشد؛ باید هزینه تا آخر قرارداد را به زن دهد (مهریه هشت سال). و همچنین اگر زن بخواهد بعد از مثلا یک سال، زندگی را ترک کند و قرارداد را به هم بزند، فقط مهریه آن یک سال به او تعلق خواهد گرفت (یک هشتم). این روش قرآنی فایده های مهم و زیادی دارد.

II. دیگر مرد هوسبازی نمی کند و در صورتی که بخواهد مثلا بعد از چند سال زن دیگری بگیرد، باید مهریه کامل هشت سال به زن بدهد و این نوع قرارداد برای طلاق بازدارنده است.

III. بعضی زنان بعد از چند ماه زندگی مشترک، با کوچکترین درگیری ای، مهریه را به اجرا می گذارند. اما در این حالت، زن اگر بخواهد بعد از چند ماه زندگی مشترک زندگی را ترک کند و مهریه بگیرد، فقط مهریه آن چنده ماه (به نسبت

هشت سال) به او تعلق می گیرد و این مبلغ خیلی کمتر است و دیگر بعضی زنان بخاطر کاسبی و سوء استفاده از مهریه ازدواج نمی کنند و درصد طلاق بخاطر مهریه خیلی پایین میاید. علاوه بر آن، ذهنیت کلی جامعه در این مورد به آرامش میرسد و جوانان به ازدواج اطمینان پیدا میکنند و ازدواج زیاد میشود. تنها راه حل مشکلات، همین راه حل قرآنی است.

IV. عدم ازدواج جوانان به علت عدم اعتماد به روش ازدواجی است که حالا مرسوم است. اما این روش قرآنی، امنیت و آرامش را دوباره بر می گرداند.

V. خدای مهربان در آیه، دو راه پیش پای مرد گذاشته است. یکی مهریه هشت سال و دیگری مهریه ده سال. به این طریق صداقت و تعهد مردان را به آنان تذکر میدهد و حتی به این طریق به مردان می فهماند که مهریه بطور اختیاری تا ۲۵ درصد (دو سال اضافی تقسیم بر هشت سال میشود یک چهارم یا ۲۵درصد) از طرف آنان قابل افزایش است. طبق آیه ، اگر مهریه مبلغ زیادی باشد، افزایش اختیاری آن به مقدار ۲۵ درصد توسط مرد، بی معناست. بنابراین این آیه هیچوقت بر مهریه زیاد دلالت ندارد.

VI. قرارداد مهریه تا هشت سال و (قابل افزایش تا ده سال به اختیار مرد) تعیین شده است. این ماگزیمم مهریه است و بیشتر از آن نیست. مصلحت آن را خدای مهربان و حکیم میداند. معمولا زنان و مردان بعد از هشت سال با هم انس می گیرند و بچه دار میشوند و به ندرت از هم جدا میشوند و اگر هم بعد از هشت سال زندگی مشترک بخواهند جدا شوند؛ دیگر چیزی نمیتواند جلودارشان شود.

بنابراین مهریه بی نهایت نیست و حد و حدودی دارد. زنی که هشت سال برای یک زندگی تلاش کرده باشد، براحتی از آن دل نمی کند.

VII. **مهریه در قرآن باید به زن داده شود و البته اگر زن آن را ببخشاید، دیگر دادن مهریه لازم نیست. اما اکنون خیلی از مردان جوان هیچوقت نمی توانند مهریه ها را پرداخت کنند، زیرا اصلا در محدوده توانایی آنها نیست و به این صورت همیشه مدیون زن می مانند و یا حتی بعضی مردان، به روشهای مختلف از دادن آن فرار میکنند و زنان را اذیت میکنند و برای خود پندار آلوده و دروغ میسازند و همچنین با اذیت کردن زن، برای خود کردار آلوده میسازند.**

VIII. **از آنجا که مهریه در طول و درازای هشت سال داده میشود و خدا فرصت هشت ساله به آن داده است؛ بنابراین بکارگیری واژه عندالمطالبه در اسناد ازدواج بی معناست و از نظر قرآن باطل است. همین کلمات من در آوردی باعث رونق کاسبی بعضی وکلا شده و آنان را از راه راست و قرآنی خارج ساخته است.**

IX. **خدای مهربان، بی هدف این داستان را در قرآن ذکر نفرموده است و بلکه حتما میخواهد ما را به طریق مهریه راهنمایی فرماید. بشریت تنها یک راه برای خوشبختی دارد و آن هم پیروی از قرآن است و هیچ راه حل دیگری ندارد.**

X. **گاهی بعضی مهریه ها آنقدر زیاد است که مرد برای فرار از این مهریه های غیر منطقی، دچار انواع دروغ و ریاکاری و پنهان کاری میشود و این خودش افراد را از چرخه ی نیک خارج میسازد. بنابراین با تعیین مهریه زیاد، مرد همیشه در طول تمام زندگی خویش، یک دروغ را با خود حمل میکند و خود را دچار یک**

پندار دروغ میکند و همین دروغ در سایر اعمال و نگاه او نسبت به زن موثر است و مودت و رحمت را بین زن و مرد از بین می برد.

XI. **وقتی که مهریه و یا صداق که نشان صداقت و مهر است، به ابزار تهدید و مشاجره و چانه زنی تبدیل شود، دیگر مودت و رحمت بی معناست و به همین خاطر است که زنان و مردان امروزی خیلی از هم فاصله گرفته اند و همدیگر را متوجه نمیشوند.**

XII. **در جامعه، زنان بخاطر اهرم مهریه بالا، با عناوین رئیس مخاطب قرار داده میشوند که همین نکته در زندگی های مشترک، کلا مودت و رحمت را نفی میکند. مودت و رحمت مخالف شقاوت است. مهریه بالا، از زنان و مردان افراد شقی و بی رحم نسبت به هم میسازد. که قاعدتا زنان باید مودت بیشتری نسبت به مردان داشته باشند و مردان هم رحم بیشتری نسبت به زنان داشته باشند و دل رحم تر باشند. اما مهریه بالا از آنان فرد دیگری میسازد. یکی از دلایلی که آدمی را وارد جهنم میکند، شقی بودن است.**

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿۱۰۶﴾

می گویند پروردگارا شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم (۱۰۶)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿۱۰۷﴾

پروردگارا ما را از اینجا بیرون بر پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم در آن صورت ستمگر خواهیم بود (۱۰۷)

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿۱۰۸﴾

می فرماید [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید (۱۰۸)

XIII. **گاهی بعضی زنان، با توجه به این که میدانند، توان مالی مرد اصلا در حد و اندازه آن مهریه نیست، ولی انتظار دارند که پرداختش کند! یا گاهی بعضی مردان، با توجه به آنکه توانایی پرداخت مهریه را دارند ولی پرداختش نمی کنند تا همیشه یک گرویی از زنشان داشته باشند و اینها همگی نوعی شقاوت است. این نوع تصور از زندگی، بسیار عجیب است و دلیل جادو شدن افراد است.**